پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۰۳ - ۷۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۴

دیپلماسی علمی به‌مثابه قدرت نرم: از تجارب جهانی تا الگوی بومی

محمدرضا کوهکن [۱]
حسن بشیر [۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۸

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

امروزه دیپلماسی علمی جایگاه مهمی بین کشورهای جهان پیدا کرده و مخصوصاً کشورهای مدعی رهبری جهانی به‌صورت فزاینده از ظرفیت آن در جهت افزایش قدرت نرم و افزایش نفوذ خود در جوامع هدف استفاده می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز کمابیش به این مسئله اهتمام داشته است، اما با توجه به فقدان یک الگوی جامع و مؤثر برای دیپلماسی علمی ایران در این پژوهش تلاش شده است با روش تحلیلی-توصیفی تجارب و دستاوردهای نظری و عملی جهانی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و گامی کوچک و ابتدایی در راستای حرکت به سمت الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی برداشته شود. این پژوهش ضمن بررسی تعاریف موجود دیپلماسی علمی، به رویکردها، حوزه‌ها و ابعاد آن می‌پردازد و تجربه عملی کشورهای منتخب را در دیپلماسی علمی بیان می‌کند. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش یعنی «در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی چگونه به افزایش قدرت نرم کشور می‌انجامد؟» با بهره‌گیری از تجارب جهانی و مبانی و اصول اسلامی-ایرانی می‌توان شش بعد را برای این الگو برشمرد و آن را از این حیث بررسی کرد: هدف، رویکرد، محتوا، ابراز، مخاطب و کنشگر. این شش بعد به ابعاد و حوزه‌های مختلف دیپلماسی علمی قابل تسری است. الگوی مطلوب دیپلماسی علمی و ابعاد شش‌گانه آن را می‌توان به‌صورت یک منظومه ترسیم کرد. منظومه‌ای که هدف نهایی آن اقامه قسط و تزکیه مسلمانان و مردم جهان از طریق تحقق تمدن نوین اسلامی و سلطه حق بوده و سایر اجزای آن در ذیل این هدف کلی قرار می‌گیرند و عمل می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی علمی، دیپلماسی علم و فناوری، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، نخبگان

۱. دانشجوی دکتری، فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Koohkan@isu.ac.ir

۲. استاد گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران bashir@isu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

۱- مقدمه

امروزه همکاری‌های علمی و آموزشی بین‌المللی جایگاه مهمی بین کشورهای جهان پیدا کرده به‌طوری‌که آموزش را «بعد چهارم سیاست خارجی» دانسته‌اند (محسنی سهی و محسنی سهی، ۱۳۹۴: ۹۸). «دیپلماسی علمی» هم از منظر اقتصادی موجب رشد کشورها می‌شود، هم از منظر فرهنگی به‌عنوان منبعی مهم برای افزایش «قدرت نرم» و اشاعه ارزش‌ها و اصول فرهنگی کشورها تلقی می‌گردد، تصویر ملی آنان در جامعه بین‌المللی را اصلاح می‌کند و زمینه اعمال نفوذ و تغییر را در بین جوامع فراهم می‌آورد. دیپلماسی علمی در مواردی که روابط کشورها ازلحاظ سیاسی در سطح مطلوبی نیست می‌تواند روزنه امیدی را برای ارتقای آن ایجاد کند و منجر به بهبود روابط شود.

امروزه کشورهای مختلفی به‌صورت فزاینده از ظرفیت‌های دیپلماسی علمی در جهت افزایش قدرت نرم خود و ایجاد تغییرات مدنظر در جوامع هدف استفاده می‌کنند و در این عرصه سرمایه‌گذاری می‌نمایند. به تعبیری می‌توان گفت هر کشوری که می‌خواهد در عرصه جهانی و دیپلماسی عمومی حرفی برای گفتن داشته باشد، باید نسبت خود با دیپلماسی علمی را مشخص کند. آن‌ها می‌خواهند از طریق قالب‌های متنوعی دیپلماسی علمی با قشر نخبه و تحصیل‌کرده جوامع ارتباط برقرار کنند، به تعبیر کالین پاول[1]، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا «با رهبران آینده جهان دوست شوند» و سطح اثرگذاری و نفوذ خود را گسترش دهند. آن‌ها ازاین‌جهت «تعامل علمی و آموزشی» را برمی‌گزینند که با تکیه بر فکر و ذهن انسان‌ها تولید قدرت نرم می‌کند (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵ب: ۶۷) و ازاین‌جهت «نخبگان کشورهای دیگر» را مخاطب قرار می‌دهند که آن‌ها مهم‌ترین هدف در دیپلماسی عمومی هستند که تشنه «دانش و اطلاعات» اند. لذا برنامه‌های مبادله‌های علمی دانشگاهی و فرهنگی-هنری این قشر را هدف قرار می‌دهد (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴). این نخبگان «به‌عنوان مهم‌ترین قشر مؤثر در ساخت آینده یک کشور، تأثیر به سزایی در تفاهم و همسویی فرهنگی میان ملت‌ها خواهند گذاشت» (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵الف).

کارن هوگز[2]، معاون اسبق وزیر امور خارجه آمریکا در حوزه دیپلماسی عمومی و امور عمومی، بر این باور است که برنامه‌های آموزشی و مبادلاتی آمریکا «رکن بنیادی دیپلماسی

1. Colin Powell
2. Karen Hughes

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

عمومی ایالات‌متحده» هستند (اسنو و تیلور[1]، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۷۷). آلتباچ و پترسون[2] نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «آموزش عالی به‌مثابه پروژه قدرت نرم آمریکا» تصریح می‌کنند «بی‌شک آن‌هایی که در خارج کشور خود تحصیل کرده‌اند، تحت تأثیر و نفوذ محل اقامت خود در خارج قرارگرفته‌اند. درحالی‌که علم به‌طور حتم جهانی و عمومی است، اما رویکردها نسبت به برنامه‌های تحصیلی، روش‌شناسی و انتشارات برای هر کشوری متفاوت است. دانشجویان بین‌المللی که در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند، رویکرد آمریکایی به علوم و تحقیقات را فرامی‌گیرند و از روش‌های آمریکایی استفاده و اغلب بر داده‌ها و مسائل آمریکا تمرکز می‌کنند. تمام این جنبه‌های آموزشی، چشم‌انداز مادام‌العمری را نسبت به کارهای دانشگاهی فرد شکل می‌دهد. دانشجویان نیز فرهنگ‌های آکادمیک جایی را که در آن تحصیل می‌کنند تجربه می‌کنند» (یاسوشی و مک کانل[3]، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶).

از طرف دیگر در دیپلماسی علمی تنها موافقان کشور مبدأ هدف نیستند، بلکه مخالفان نیز هدف مهمی قلمداد می‌شوند؛ فلذا شاید بتوان گفت بکار بردن دیپلماسی علمی در کشورهایی که نگرش منفی‌تری به کشور مبدأ دارند مهم‌تر است.

در مجموع این ویژگی‌ها دیپلماسی علمی را در جایگاه ویژه‌ای برای کشورهای جاه‌طلب و مدعی عرصه بین‌المللی قرار داده است. علاوه بر ایالات‌متحده آمریکا که پیشتاز این عرصه است، کشورهایی مانند انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه، استرالیا، چین، ژاپن، ترکیه، عربستان قطر و امارات متحده عربی نیز برای بهره‌برداری از مزایای دیپلماسی علمی، سرمایه‌گذاری زیادی بر روی آن کرده‌اند که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران نیز به سهم خود هم در اسناد بالادستی و هم در عمل کمابیش به این مسئله اهتمام داشته است که تبیین و نقد و بررسی آن از مجال این نوشتار خارج می‌باشد، اما با توجه به فقدان یک الگوی جامع و مؤثر برای دیپلماسی علمی ایران تلاش شده است در بخش پایانی مقاله با نقد و بررسی تجارب و دستاوردهای نظری و عملی جهانی، گامی کوچک و ابتدایی در راستای حرکت به سمت الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی برداشته شود. لذا

1. Nancy Snow and Philip M. Taylor
2. Philip G. Altbach and Patti McGill Peterson
3. Watenabe Yasushi and David McConnell

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

- در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی چگونه به افزایش قدرت نرم کشور می‌انجامد ؟

۲- چهارچوب نظری

۲-۱- قدرت نرم[1]

اگرچه قدرت نرم را عمدتاً به اواخر قرن ۲۰ و آثار جوزف نای[2] نسبت می‌دهند، اما ای.اچ. کار[3] (۱۹۳۹) مفهوم مشابهی را مطرح کرده است. او قدرت بین‌المللی را شامل سه دسته می‌داند: قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت مسلط بر افکار و ایده‌ها، که مورد آخر معادل قدرت نرم است (التیامی‌نیا و تقوایی‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۶۷). همچنین مفاهیم مشابه دیگری نیز قبل از خلق اصطلاح قدرت نرم توسط اندیشمندانی چون میشل فوکو[4]، پیر بوردیو[5]، آنتونیو گرامشی[6] و استیون لوکس[7] بیان‌شده‌اند (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴). اما درهرحال مشهورترین و مؤثرترین چهره در این حوزه جوزف نای است.

نای برای قدرت نرم تعاریف متعددی ارائه داده، ازجمله «قدرت جذب، اقناع و شیفتگی» و «توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه»، اما در کامل‌ترین آن‌ها قدرت نرم را به «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستورکار، متقاعدسازی و جذب مثبت به‌منظور به دست آوردن نتایج مطلوب» تعریف کرده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

نای برای قدرت نرم سه مؤلفه کلی ذکر می‌کند: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست داخلی و خارجی. او بعداً اقتصاد را هم یکی از منابع قدرت نرم معرفی می‌کند. نای در مقاله‌ای بیان می‌دارد قدرت نرم در مفهوم گسترده مترادف با قدرت غیرنظامی، و در مفهوم محدود

1. Soft Power
2. Joseph Nye
3. E.H. Carr
4. Michel Foucault
5. Pierre Bourdieu
6. Antonio Gramsci
7. Steven Lukes

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

خود شامل قدرت فرهنگی است. (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). در نظریه او دیپلماسی عمومی یکی از ارکان قدرت نرم به شمار می‌رود (درخشه و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۰).

نای گرچه مستقیماً درباره دیپلماسی علمی صحبت نکرده، اما مصادیقی که ذیل فرهنگ بیان کرده همان مفهوم را می‌رساند. او توسعه روابط پایدار با افراد مهم را سومین بعد دیپلماسی عمومی دانسته که در بلندمدت از طریق ابزارهایی همانند تبادلات آموزشی و اعطای بورس‌های تحصیلی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و آموزشی به نتیجه خواهد رسید (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰). نای (۱۳۸۷) در کتاب «قدرت نرم» پس از ذکر منابع سه‌گانه قدرت نرم با ذکر چند مثال به تشریح آن‌ها می‌پردازد. او در خصوص فرهنگ می‌نویسد: «عقیده‌ها و ارزش‌های آمریکا از طریق دانشجویانی که همه‌ساله از دانشگاه‌های آنجا فارغ‌التحصیل می‌شوند و به کشورهایشان بازمی‌گردند، صادر می‌شود. همچنین اثری که بر ذهن افرادی که از آسیا برای دوره‌های کارآفرینی به آمریکا می‌آیند گذاشته می‌شود، باعث دسترسی آسان آمریکا به نخبگان در قدرت این کشورها می‌شود» (نای، ۱۳۸۷: ۵۴). او در ادامه به ذکر منابع قدرت نرم آمریکا می‌پردازد که بخشی از آن مستقیماً به مبحث ما مربوط است:

- «از ۱٫۶ میلیون دانشجویی که در دانشگاه‌های خارج از کشورشان ثبت‌نام کرده‌اند، ۲۸٪ در ایالات‌متحده هستند که این میزان در انگلستان ۱۴٪ می‌باشد.
- در سال ۲۰۰۲ بیش از ۸۶ هزار محقق خارجی در مؤسسات آموزشی آمریکا اقامت داشته‌اند.
- معیارهای آموزشی نشان می‌دهد که ایالات‌متحده...
- بیش از هر کشور دیگری کتاب چاپ می‌کند.
- رتبه اول را در جایزه نوبل فیزیک، شیمی و اقتصاد داراست.
- و اینکه ۴ برابر بیشتر نسبت به رتبه دوم (ژاپن) مقالات علمی و روزنامه‌ای چاپ می‌کند» (نای، ۱۳۸۷: ۸۶).

۲-۲- دیپلماسی عمومی[1]

همان‌گونه که اشاره شد، به عقیده برخی دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای قدرت نرم است

1. Public Diplomacy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

که به شکل‌گیری آن می‌انجامد. ازجمله آن‌ها جوزف نای است که در موارد مختلفی از مقاله قدرت نرم و قدرت هوشمند به دیپلماسی عمومی پرداخته و حتی برای آن مدل‌های زمان‌پایه‌ای نیز ارائه کرده است (شیخ‌الاسلامی و فاطمی صدر، ۱۳۹۲: ۵۱). گرچه برخی معتقدند مفهوم دیپلماسی عمومی سابقه طولانی‌تری دارد، اما عمدتاً به‌کارگیری اصطلاح آن را مربوط به سال ۱۹۶۵ می‌دانند؛ زمانی که ادموند گولیون[1]، رئیس اسبق «مرکز ادوارد آر. مورو برای دیپلماسی عمومی[2]» دانشگاه تافت، این اصطلاح را برای اولین بار به‌کار برد (ایزدی، ۱۳۹۰: ۳۸).

طبق تعریف فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل وزارت خارجه ایالات‌متحده آمریکا «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و اینترنت است» (صادقی و اسفندیاری، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲).

دسته دیگری از تعاریف به‌جای هدف قرار دادن تصویرسازی و روابط یک‌طرفه، بر برقراری روابط دوطرفه تأکید دارند. ازجمله آن‌ها می‌توان به تعریف زاهارنا[3] اشاره کرد: «دیپلماسی عمومی با بنا نهادن روابط، فهم نیازهای سایر کشورها، فرهنگ‌ها و ملت‌ها، انتقال نقطه‌نظرهای ما، تصحیح ادراک‌های غلط، و جستجوی حوزه‌هایی که ما می‌توانیم آرمان مشترک را بیابیم، سروکار دارد» (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

یکی از زیرمجموعه‌های دیپلماسی عمومی، دیپلماسی علمی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲-۳- دیپلماسی علمی[4]

«دیپلماسی علم»، «دیپلماسی علمی» و «دیپلماسی علم و فناوری»[5] مفاهیمی هستند که در منابع علمی معادل یکدیگر به‌کاررفته و یکسان در نظر گرفته می‌شوند. «دیپلماسی

1. Edmund Gullion
2. Edward R Murrow Center for Public Diplomacy
3. R.S. Zaharna
4. Science Diplomacy
5. Science and Technology Diplomacy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

آموزشی»[1] نیز مفهوم مشابه و نزدیک آن است که بر اساس نظر برخی خبرگان، می‌توان آن را بخشی از دیپلماسی علمی در نظر گرفت. کاربرد این اصطلاحات مشابه در تعاریف مختلف، در ادامه آورده شده است.

گزارش دیپلماسی علمی برای فرانسه «استفاده و کاربرد همکاری‌های علمی در راستای ایجاد روابط و پل‌هایی میان جوامع بخصوص در حوزه‌هایی که ممکن است مکانیسم دیگری برای تعامل در سطح رسمی وجود نداشته باشد» را مصداق دیپلماسی علم و فناوری دانسته است (Science diplomacy for France, 2013).

گزارش معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری ایران، دیپلماسی علم و فناوری را این‌گونه تعریف کرده است: «توانمندی‌های علمی و فناوری یک کشور و تعاملات آن با دیگر بازیگران بین‌المللی در این حوزه که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز توسعه و تعاملات فناوری شود، دیپلماسی علم و فناوری نامیده می‌شود» (براتی، ۱۳۹۰: ۲۸).

کولائی و عزیزی (۱۳۹۶) دیپلماسی علمی را «استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها به‌منظور رسیدگی و حل‌وفصل چالش‌های مشترک» دانسته‌اند (کولائی و عزیزی، ۱۳۹۶: ۱۰۴۵).

آکادمی جهانی علوم[2] اشاره می‌کند که دیپلماسی علمی، می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد: «زمانی که دانشمندان برای پروژه‌های چندملیتی درباره علوم فضایی یا فیزیک گرد هم می‌آیند، دولت‌های آن‌ها توافق‌های دیپلماتیکی را برای مدیریت و تأمین مالی این پروژه‌ها تدوین می‌کنند. زمانی هم که روابط سیاسی میان دو کشور تیره یا قطع می‌شود، تلاش‌های مشترک در حوزه پژوهشی، می‌تواند به آن‌ها ابزاری برای ادامه مذاکره و اعتمادسازی بدهد» (کولائی و عزیزی، ۱۳۹۶).

نینا فدوروف[3]، مشاور علمی و فناوری وزیر امور خارجه آمریکا دیپلماسی علمی را «استفاده از تعامل علمی بین ملت‌ها برای رفع مشکلات متداول بشریت و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی سازنده و دانش‌بنیان» می‌داند (www.royalsociety.org, 2010).

1. Education Diplomacy
2. The World Academy of Sciences
3. Nina V. Fedoroff

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

در تعریفی دیگر، امپادزولا[1] می‌گوید دیپلماسی علمی را به «انجام مذاکرات بین نمایندگان گروه‌ها و ملت‌ها برای کسب و استفاده کاربردی از دانش یا اطلاعات» تعریف می‌کند. در تعریفی دیگر از ادواردز[2] بر نقش علم و فناوری برای پیشبرد سیاست خارجی بدین گونه تأکید شده است: «دیپلماسی علم و فناوری یعنی استفاده از همکاری‌های علمی، تعاملات و ارتباطات به‌عنوان ابزاری در جهت ایجاد روابط بین‌المللی سازنده و شامل اقداماتی از قبیل تبادلات دانشگاهی میان کشورها، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و... باشد» (صنیع اجلال، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

لشنر[3] در تعریف خود دیپلماسی را عامل دستیابی به صلح جهانی معرفی می‌کند. وی معتقد است: «استفاده از همکاری‌های علمی بین‌المللی در جهت گسترش ارتباطات و همکاری‌های میان مردم کشورهای مختلف و ارتقای صلح جهانی، موفقیت و ثبات» کارکرد اصلی دیپلماسی علم و فناوری است (صنیع اجلال، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

دهشیری و طاهری (۱۳۹۵) دیپلماسی آموزشی را «بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی در جهت بسط تفاهم و درک مشترک و تصویرسازی مثبت از کشور» دانسته‌اند که خود از ارکان دیپلماسی فرهنگی قلمداد می‌گردد (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵الف).

درخشه و غفاری (۱۳۹۰) دیپلماسی آموزشی را «برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش» تعریف کرده‌اند که برای تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون به کار می‌رود (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴).

تعاریف فوق را در جدول۱ می‌توان خلاصه نمود:

مفهوم	ابزار	هدف	تعریف‌کننده	رویکرد
دیپلماسی علمی	همکاری‌های علمی	رسیدگی و حل‌وفصل چالش‌های مشترک	کولائی و عزیزی ۱۳۹۶	لیبرالیستی
دیپلماسی علم و فناوری	همکاری‌های علمی	ایجاد روابط و پل‌هایی میان جوامع بخصوص در حوزه‌هایی که ممکن است مکانیسم دیگری برای تعامل در سطح رسمی وجود نداشته باشد	گزارش دیپلماسی علم برای فرانسه ۲۰۱۳	لیبرالیستی

1. Mphadzula
2. Edwards
3. Leshner

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

دیپلماسی علم و فناوری	۱) توانمندی‌های علمی و فناوری یک کشور ۲) روابط سیاسی یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی	۱) پیشبرد سیاست خارجی کشور ۲) توسعه و تعاملات فناوری	گزارش معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری ایران ۱۳۹۰	رئالیستی لیبرالیستی
دیپلماسی علمی	تعامل علمی بین ملت‌ها	رفع مشکلات متداول بشریت و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی سازنده و دانش‌بنیان	نینا فدوروف ۲۰۱۰	لیبرالیستی
دیپلماسی علمی	مذاکرات بین نمایندگان گروه‌ها و ملت‌ها	کسب و استفاده کاربردی از دانش یا اطلاعات	امپادزولا ۲۰۱۴	کارکردگرایانه
دیپلماسی علم و فناوری	همکاری‌های علمی، تعاملات و ارتباطات	ایجاد روابط بین‌المللی سازنده	ادواردز ۲۰۱۰	لیبرالیستی
دیپلماسی علم و فناوری	همکاری‌های علمی بین‌المللی	گسترش ارتباطات و همکاری‌های میان مردم کشورهای مختلف و ارتقای صلح جهانی، موفقیت و ثبات	لشنر ۲۰۰۸	لیبرالیستی
دیپلماسی آموزشی	برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش	تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون	درخشه و غفاری ۱۳۹۰	لیبرالیستی
دیپلماسی آموزشی	ظرفیت‌های آموزشی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی	بسط تفاهم و درک مشترک و تصویرسازی مثبت از کشور	دهشیری و طاهری ۱۳۹۵	لیبرالیستی

جدول۱: تعاریف دیپلماسی علمی

اهدافی که در تعاریف فوق برای دیپلماسی علمی برشمرده شد مانند «ایجاد پل میان جوامع»، «پیشبرد سیاست خارجی کشور»، «حل‌وفصل چالش‌های مشترک»، «همکاری میان مردم کشورها»، «تصویرسازی مثبت از کشور» و... همگی اهدافی هستند که برای دیپلماسی عمومی نیز ذکرشده‌اند. به تعبیر ساده اگر دیپلماسی عمومی را «مخاطب قرار دادن مردم سایر کشورها جهت تأمین منافع کشور از هر روش نرم ممکن» تعریف کنیم، دیپلماسی علمی همان دیپلماسی عمومی است، البته محدود به روش‌های مربوط به علم و فناوری. نکته قابل‌توجه در خصوص دیپلماسی علمی این است که هرگونه همکاری علمی بین‌المللی جزو آن محسوب نمی‌شود. برخی شاید با اهداف اقتصادی و تجاری و... خود بدون توجه به منافع ملی همکاری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

علمی برقرار کنند، اما در دیپلماسی علمی در راستای منافع ملی بودن اهمیت دارد.

۳- پیشینه

پیش‌تر پژوهش‌هایی درباره دیپلماسی علم و فناوری انجام شده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در جدول۲ آمده است:

جدول۲: خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
ابعاد سیاسی-فرهنگی همکاری‌های علمی بین‌المللی در اسناد ملی علم و فناوری کشورهای منتخب	میرحسینی و محمدی دوستدار (۱۳۹۴)	بررسی ابعاد نفوذ به کشورهای مختلف از طریق علم و فناوری، با رویکردی معطوف به سلطه و مقاومت	تحلیل محتوای کیفی اسناد کلان علم و فناوری ۳۴ کشور از پنج قاره و استخراج هفت محور موضوعی اصلی
ارائه چارچوب توسعه دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان و مسئولان علمی و دیپلماسی کشور	تسلیمی، نوروزی، مخدومی و هاجری (۱۳۹۶)	ارائه الگوی پارادایمی و نظام‌مند توسعه دیپلماسی علمی کشور	ارائه الگوی پارادایمی ذیل مقولات علل غایی، علل ضروری، علل فاعلی، شروط، موانع، ظرفیت‌ها، معدات و بروندادها
دیپلماسی علمی ایران در روابط با گرجستان	کولایی و عزیزی (۱۳۹۶)	مطالعه رویکرد جمهوری اسلامی در دیپلماسی علمی به‌ویژه در روابط با گرجستان	بیان وضعیت دیپلماسی علمی ایران و رقبا در گرجستان دیپلماسی علمی ایران در قبل گرجستان با حالت مطلوب خود فاصله دارد، اما ظرفیت بالقوه آن موجود است
نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات‌متحده آمریکا: با تأکید بر عملکرد آن در قبال ایران	دهشیری و طاهری (۱۳۹۵)	ایالات‌متحده آمریکا چگونه از ظرفیت‌های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود به‌ویژه در قبال ایران استفاده می‌نماید؟	بیان جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات‌متحده، ساختارها و کارگزاران مرتبط با آن، شیوه‌های به‌کارگیری آن، و بررسی دیپلماسی آکادمیک آمریکا در قبال ایران ذیل مبادلات آموزشی و تأسیس شعب دانشگاهی و دیپلماسی علمی
بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران	براتی (۱۳۹۰)	پدیده دیپلماسی علم و فناوری چیست و دارای چه ابعادی می‌باشد و چه تمایزاتی با مفاهیم مشابه دارد؟	تبیین نظری دیپلماسی علم و فناوری، بررسی تجربه آمریکا، آلمان، ژاپن و هندوستان، بیان اهداف، ملزومات و وضع موجود دیپلماسی علم و فناوری ج.ا.ا و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای آن

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	محسنی سهی و محسنی سهی (۱۳۹۴)	بررسی تأثیر دیپلماسی علم و فناوری در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	تبیین ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی علم و فناوری، شناسایی نقاط قوت و فرصت‌های پیشروی آن و تأثیر آن در افزایش قدرت نرم ایران
دیپلماسی علم و فناوری: راهبردی نو در توسعه کشورهای اسلامی	صنیع اجلال (۱۳۹۶)	بررسی تأثیر دیپلماسی علم و فناوری در توسعه کشورهای اسلامی	بررسی دیپلماسی علم و فناوری در آمریکا، ژاپن، چین و ترکیه. تبیین نقش آن در همگرایی کشورهای اسلامی و ارائه یک مدل مفهومی برای این امر

درمجموع مرور این پژوهش‌ها در تبیین مفهومی دیپلماسی علمی و ذکر تجارب برخی از کشورهای جهان در این حوزه قابل‌استفاده و استناد بود. اما این نیاز احساس می‌شد که تجارب دیگر کشورها نیز موردبررسی قرار گیرد و بر اساس آن و نیز تدقیق مفهومی صورت گرفته، به سمت ترسیم یک الگوی مطلوب برای ایران حرکت نماییم. لذا این مقاله با این هدف سامان یافت.

٤- رویکردها به دیپلماسی علمی

گرچه تاکنون رویکردهای مختلف به دیپلماسی علمی احصا نشده است، اما با اقتباس از نظراتی که درباره دیپلماسی علمی و دیپلماسی فرهنگی در این خصوص وجود دارد، می‌توان آن‌ها را به دیپلماسی علمی (که بخشی از دیپلماسی عمومی و فرهنگی به‌حساب می‌آید) نیز گسترش داد. این چهار رویکرد عبارت‌اند از: لیبرالیستی، رئالیستی، سازه‌انگارانه و انتقادی.

در رویکرد «لیبرالیستی» یا «تعامل‌گرایانه»، قبول تنوع فرهنگی شرط اساسی است، و بقای روابط فرهنگی به آن بستگی دارد. در این رویکرد می‌بایست به سایر فرهنگ‌ها احترام گذاشت و از روابط یک‌جانبه و تحمیل گرایانه و سلطه گرایانه پرهیز نمود. پس فرهنگ‌های ضعیف‌تر نیز موردتوجه قرار می‌گیرند و کمک به حفظ آن‌ها اهمیت پیدا می‌کند. شیخ‌الاسلامی و نوری مهم‌ترین وجه ممیزه این رویکرد در مقایسه با سایر رویکردها را «ایمان به امکان‌پذیری تکامل روبه‌جلوی روابط بین‌الملل از طریق همکاری، تقلیل و تخفیف نقاط افتراق، کاهش تعارض‌ها و درنهایت تحقق یافتن صلح بین‌المللی» می‌دانند که دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به تحقق آن کمک کند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶). اهمیت تعامل برابر و دوجانبه در این رویکرد به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

حدی است که برخی حتی از به کار بردن لفظ «دیپلماسی فرهنگی» نیز به خاطر القای فعالیت یک‌سویه اجتناب کرده، و «روابط فرهنگی» را بر آن ترجیح می‌دهند.

رویکرد دوم، «رئالیستی» یا «تقابل‌گرایانه» نام دارد که برخلاف رویکرد اول، یک‌سویه بوده و به دنبال اعمال‌نفوذ در سایر کشورها است. فرهنگ‌های ضعیف‌تر در این رویکرد جایگاهی ندارند و از بین می‌روند. نظریه «تک‌قطبی جورج بوش»، طرح «نظم نوین جهانی»، نظریه «برخورد تمدن‌ها» هانتینگتون و ایده «استثناگرایی آمریکایی» از مهم‌ترین مصادیق رویکرد رئالیستی هستند. استثناگرایی آمریکایی صراحتاً از مشروعیت اعمال‌نفوذ آمریکا بر دیگر کشورها، به خاطر برتری‌های ذاتی او سخن می‌گوید و بر اساس آن «آمریکا به‌عنوان آرمان‌شهری در نظر گرفته می‌شود که از نظر اخلاقی بالاتر از سایر کشورها و قدرت‌ها در سرتاسر جهان است و ازاین‌رو وظیفه دارد اندیشه‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های دموکراتیک و نظام سیاسی به سبک آمریکایی را به بقیه جهان اشاعه دهد» (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶).

رویکرد «سازه‌انگارانه» سومین رویکردی است که در این راستا موردتوجه قرار می‌گیرد. در این نظریه ساختار، عاملیت و رابطه بین آن دو جایگاه مهمی دارد و به‌جای «ساختاری کردن»، از «تعامل اجتماعی» سخن می‌گوید و این تعامل اجتماعی است که هویت و منافع ما را شکل و معنا می‌دهد (بشیر، ۱۳۹۵). با این رویکرد، در دیپلماسی عمومی نیز تعامل اجتماعی و شکل دادن به هویت از طریق آن جایگاه مهمی می‌یابد و لذا برنامه‌های مبادله‌ای موردتوجه جدی واقع می‌شوند، چراکه در آن‌ها بر هویت و ارزش‌های افراد شرکت‌کننده، به نفع منافع و ارزش‌های کشور میزبان اثر گذاشته می‌شود. به تعبیر شیخ‌الاسلامی و نوری «اگر در دیپلماسی فرهنگی «نهادها و موسسه‌های فرهنگی» و در دیپلماسی رسانه‌ای «رسانه‌ها» دیپلماسی عمومی را اعمال می‌کردند، در دیپلماسی مبادله‌ای این «انسان‌ها» هستند که محور و عامل آن محسوب می‌شوند... در دیپلماسی مبادله‌ای «هویت» محور اصلی مانور استفاده‌کنندگان از آن است. در تبادل‌ها و خصوصاً در تبادل‌های دانشگاهی، افراد در طول دوران تحصیل خود و در مدت اقامت در کشور میزبان، خواسته یا ناخواسته، کم یا زیاد، هویتی جدید کسب می‌کنند و از هویت قبلی خود دورتر می‌شوند. میزان موفقیت یک کشور در دیپلماسی مبادله‌ای به میزان موفقیتش در تغییر دادن هویت افرادی که آن‌ها را طی بازه زمانی مشخص میزبانی می‌کند،

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

بستگی دارد» (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶).

رویکرد چهارم، رویکرد «انتقادی» است که به جریان غالب دیپلماسی فرهنگی/ علمی با دید منفی می‌نگرد و آن را به‌مثابه ابزاری در دست سلطه گران و امپریالیسم می‌داند. کتی فیتزپاتریک[1] معتقد است سیاست‌های فرهنگی آمریکا به‌منزله ابزار دیپلماسی عمومی، ناشی از پیش‌فرض‌های هژمونیک‌اند که برخی منتقدان آن را در حد «امپریالیسم فرهنگی» می‌دانند. به اعتقاد بلتران[2] امپریالیسم فرهنگی «فرایندی واقعی از نفوذ اجتماعی است که از طریق آن یک کشور، مجموعه باورها، ارزش‌ها، دانش و هنجارهای رفتاری خود و نیز تمامی شیوه زندگی‌اش را بر کشورهای دیگری تحمیل می‌کند» (فرخی، ۱۳۹۰). هدف امپریالیسم فرهنگی، حفظ و گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی کشور عامل از طریق نفوذ فرهنگی است و معتمدنژاد آن را برای کشورهای امپریالیستی «حیاتی» می‌داند (معتمدنژاد، ۱۳۹۲). یکی از متفکران بزرگ این حوزه، هربرت شیلر[3] است که در آثار مختلف خود به‌صورت صریح و ضمنی به دیپلماسی فرهنگی، و حتی مفهوم و مصادیق دیپلماسی علمی (بدون نام بردن از لفظ آن) اشاره کرده است. شیلر آموزش و پژوهش در کشورهای هسته مرکزی و کشورهای پیرامونی را در خدمت اهداف اقتصادی شرکت‌های چندملیتی می‌داند. همواره موضوعات علمی‌ای موردتوجه قرار می‌گیرند که منطبق بر نیازها و منابع تصمیم‌گیری در مراکز قدرت (شرکت‌ها، بوروکراسی دولتی و ارتش) کشورهای سرمایه‌داری هسته مرکزی هستند و درنتیجه نیازهای مردم در کشورهای پیرامونی همواره مسکوت و مغفول واقع می‌شود. در حقیقت اولویت‌های علمی را سرمایه‌داران کشورهای هسته مرکزی تعیین می‌کنند. او تصریح می‌کند «علم شناسان در نواحی وابسته و پیرامونی ناگزیر درصورتی‌که از برجسته‌ترین‌ها تلقی می‌گردند، کشورهای خود را ترک می‌کنند و به محیط پژوهشی ظاهراً پرانگیزش تر و دارای سطح پرداخت مالی بالاتر در منطقه هسته مرکزی می‌پیوندند و در غیر این صورت عقب می‌مانند تا در طرح‌های مشابه، اما معمولاً در نقشی کم‌اهمیت‌تر و اغلب فقط به‌عنوان «گردآورنده داده‌ها» جهت بررسی در جاهای دیگر به کار بپردازند. در هرکدام از این موارد نیازهای نواحی وابسته نابرآورده می‌مانند و چشم‌اندازهای

1. Katie Fitzpatrick
2. Luis R. Beltrán
3. Herbert Schiller

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

اجتماعات علمی آن‌ها به‌وسیله سلطه‌گران خارجی آنان شکل داده می‌شوند. تکنولوژی ناشی از بسیاری از این پژوهش‌ها نیز معرف نیازهای اکثریت مردم کشورهای پیرامون نیست و بعضی‌اوقات با این نیازها تعارض پیدا می‌کند» (شیلر، ۱۹۷۶). شیلر همچنین به ایجاد مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسساتی منطبق با نمونه‌های آمریکای شمالی در کشورهای جهان سوم اشاره می‌کند که تسهیل‌کننده این فرایند امپریالیستی و سلطه گرایانه است (شیلر، ۱۹۷۶).

چهار رویکرد بیان‌شده به‌صورت مقایسه‌ای در جدول۳ نشان داده شده است:

جدول۳: رویکردها به دیپلماسی علمی

عنوان رویکرد	لیبرالیستی	رئالیستی	سازه‌انگارانه	انتقادی
نام دیگر	تعامل‌گرا ایده آلیستی	تقابل‌گرایانه	-	امپریالیستی
لفظ منتخب	روابط علمی (دیپلماسی علمی)	دیپلماسی علمی	دیپلماسی مبادله‌ای	دیپلماسی سلطه علمی
هدف	صلح بین‌المللی	جذب دیگران برای نفوذ و کسب قدرت بیشتر	تأمین منافع از طریق هویت	نفی سلطه اقتصادی و سیاسی
تأکید بر	کاهش نقاط افتراق و تعارض‌ها	تقابل و تضاد	تغییر هویت انسان‌ها	افشای سازوکار تحمیل ارزش‌ها، باورها، دانش و هنجارهای سلطه‌گر
جهت ارتباط	دوجانبه و دیالوگ	یک‌جانبه و مونولوگ	یک‌جانبه و دوجانبه	مرکز - پیرامون
رویکرد به دیگری	پذیرش تنوع و قبول غیر	نفی تنوع و غیر	-	-
رویکرد به دیگری ضعیف	کمک به بقا	همسان‌سازی	-	حمایت در برابر سلطه‌گر
مصادیق	گفتگوی تمدن‌ها	برخورد تمدن‌ها نظم نوین جهانی استثناگرایی آمریکایی	طرح فولبرایت	امپریالیسم علمی

۵- حوزه‌های دیپلماسی علمی

انجمن سلطنتی بریتانیا[1] و انجمن آمریکایی پیشبرد علم[2] در سال ۲۰۱۰ سه حوزه اصلی برای دیپلماسی علمی برشمرده است:

۱. علم در دیپلماسی: مجهز کردن تصمیم گیران بین‌المللی به دانش علمی، شکل‌دهی علم به اهداف سیاست خارجی و حمایت از آن (مانند بهره‌گیری از فنون مذاکره و تصمیم‌گیری در مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱)

1. British Royal Society
2. American Association for the Advancement of Science

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

۲. دیپلماسی برای علم: تسهیل همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی (مانند رایزنی‌های دیپلماتیک برای وارد کردن قطعات و فناوری مربوط به ساخت ماهواره)

۳. علم برای دیپلماسی: بکار گرفتن علم برای بهبود روابط بین‌المللی (مانند ایجاد کرسی‌های ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در برخی دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان) (www.royalsociety.org, 2010)

٦- ابعاد دیپلماسی علمی

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان ابعاد و اجزای دیپلماسی علمی را با تمرکز بر دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران مطابق شکل۱ تقسیم‌بندی نمود (محسنی سهی و محسنی سهی، ۱۳۹۴):

فرهنگی	پژوهشی	آموزشی	اجرایی	پرسنلی	رفاهی
• تعاملات بین فرهنگی • اعزام سفیران فرهنگی • اعزام رایزن های علمی • حمایت از کرسی‌های زبـان آموزی	• نگارش کتب مشترک • برگزاری همایش‌های مشترک • پروژه های پژوهشی مشترک • راه اندازی مجله‌های پژوهشی بین المللی • تأسیس مراکز تحقیق و توسعهٔ علمی بین المـللی	• برنامه های درسی مشترک دانشگاهی • دوره ها و کارگاه‌های آموزشی مشترک • ایجاد دانشگاه‌های مجازی	• عـضویت و مشارکت فعال در سازمان ها و انجمن های علمی بین المللی • بستن و اجرای قراردادها و تفاهم نامه • ایجاد شعبه‌های دانشگاهی در دیگر کشورها	• اعزام دانشجو به خارج از کشور • جذب دانشجویان خارجی • اعطای فرصت مطالعاتی	• اعطاي تسهیلات دانشجویی برای ویزا، اقامت، اجـازه کار • دادن جوایز علمی مشترک بین‌المللی

شکل۱: ابعاد دیپلماسی علمی

۷- دیپلماسی علمی کشورهای منتخب

گستره مخاطبان برنامه‌های دیپلماسی علمی گرچه به‌اندازه برنامه‌های دیپلماسی رسانه‌ای نیست، اما قطعاً به‌مراتب از آن مؤثرتر است. نخبگان کشورهای هدف که همسو با منافع کشور مبدأ هستند، به‌عنوان رهبران اجتماعی بر افکار عمومی کشور خود نیز اثرگذارند و از این طریق می‌توانند عامل ایجاد تغییر باشند. لذا سرمایه‌گذاری بر دیپلماسی علمی از دو جهت بر افکار

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

عمومی کشور هدف تأثیر می‌گذارد: به‌طور مستقیم بر قشر محدودتری از آن‌ها که نخبگان هستند، و به‌طور غیرمستقیم بر عموم مردم. تجارب جهانی متعددی از به‌کارگیری دیپلماسی علمی در جهت افزایش قدرت نرم کشورهای مختلف وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۷- ایالات‌متحده آمریکا

ایالات‌متحده آمریکا را بدون شک می‌توان پیشتاز دیپلماسی علمی جهان دانست. این کشور با اجرای برنامه‌های متعدد و متنوع در این زمینه عمل می‌کند. در ادامه به تاریخچه مختصر دیپلماسی علمی آمریکا و برخی برنامه‌های مهم آن اشاره می‌شود.

پس از جنگ جهانی دوم، آموزش عالی آمریکا با جذب دانشجویان و محققان از سراسر جهان به بزرگ‌ترین میزبان دانشجویان خارجی تبدیل شد، و زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان اصلی علم و پژوهش تحمیل کرد و سپس دانشگاه‌های این کشور بر ارتباطات علمی و تحقیقاتی تسلط یافتند. بدین ترتیب آموزش عالی این کشور به‌عنوان برترین آموزش عالی جهانی شناخته شد. در دوران جنگ سرد، تبادلات علمی و فرهنگی نقش مهمی در تقویت قدرت نرم آمریکا ایفا کرد. درحالی‌که برخی از آمریکایی‌ها نگران نفوذ و سوءاستفاده دانشمندان و عوامل اطلاعاتی شوروی از طریق این برنامه‌ها بودند، اما برخی دیگر اعتقاد داشتند این افراد در کنار آموزش‌های علمی که در آمریکا می‌بینند، ایده‌های سیاسی آمریکا را نیز در خود جذب می‌کنند. تا قبل از فروپاشی شوروی بیش از ۵۰ هزار نفر از نخبگان این کشور در قالب برنامه‌های مبادله رسمی از آمریکا بازدید کردند. (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵ب: ۶۷-۶۸).

مورد بعد مربوط به تمرکز آمریکا بر افکار عمومی مسلمانان منطقه غرب آسیا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق است. «دولت آمریکا معتقد بود که با افزایش فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی در قبال جهان اسلام، می‌بایست افکار عمومی مسلمانان را در جهت موردنظر خود هدایت کرده و آنان را نسبت به اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه متعهد ساخت. در سال ۲۰۰۳ یک‌چهارم بودجه برنامه‌های آموزشی و مبادلاتی فرهنگی خارجی آمریکا به کشورهای خاورمیانه اختصاص یافت» (دهشیری

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

و طاهری، ۱۳۹۵ب: ۷۷-۷۸). این بخشی از رویکردی است که آمریکا در قبال ایران نیز پیش‌گرفته و به اهمیت آن پی برده است.

مهم‌ترین ساختارهای مرتبط با دیپلماسی علمی در ایالات‌متحده عبارت‌اند از:

الف) آژانس اطلاع‌رسانی ایالات‌متحده:

این آژانس که در سال ۱۹۵۳ زیر نظر رئیس‌جمهور وقت آمریکا تأسیس شد، دیپلماسی عمومی این کشور را برای نخستین بار بر عهده گرفت. مهم‌ترین هدف آن بهبود درک متقابل بین مردم آمریکا و مردم سایر کشورها است که از طریق برنامه‌های دانشگاهی و فرهنگی آن را دنبال می‌کرد. ازجمله مهم‌ترین این برنامه‌ها، بورس «فولبرایت» و برنامه «سخنگویان» است. در برنامه فولبرایت[1] سالیانه حدود ۴۸۰۰ بورس به دانشجویان و اساتید کشورهای دیگر اعطا می‌شود. برنامه سخنگویان[2] نیز سالیانه حدود ۷۰۰ آمریکایی را برای سخنرانی به کشورهای دیگر اعزام می‌کند تا پیوندهای طولانی‌مدتی میان دانشگاه‌های آمریکایی و دانشگاه‌های کشور هدف برقرار سازند (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب). آژانس اطلاع‌رسانی آمریکا در سال ۱۹۹۹ در معاونت دیپلماسی عمومی وزارت خارجه ادغام شد.

ب) معاونت دیپلماسی عمومی و روابط عمومی وزارت خارجه:

معاونت امور فرهنگی و آموزشی، یکی از زیرمجموعه‌های سه‌گانه این معاونت است که کلیه برنامه‌های دانشگاهی که توسط وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شوند را مدیریت می‌کند، ازجمله برنامه‌های بورسیه تحصیلی برای دانشجویان، مدرسان و محققان، برنامه هامفری[3] (مربوط به تبادل اساتید)، برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی، برنامه‌های مطالعات آمریکا، ارائه مشاوره به دانشجویان خارجی و بازاریابی برای مؤسسات آموزش عالی آمریکا از طریق شبکه دفاتر آموزشی آمریکا در سراسر جهان. اتکای این برنامه‌ها به امتیاز دانشگاه‌های آمریکایی و اعتبار جهانی آن‌ها است (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب).

برنامه بورس فولبرایت که پس از ادغام آژانس اطلاع‌رسانی، توسط معاونت دیپلماسی عمومی اجرا می‌شود، به دانشجویان، بورسیه و به متخصصان صاحب‌نام، کمک‌هزینه اعطا

1. Fulbright program
2. American Participant
3. Humphrey Program

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

می‌کند. برخلاف تصور بورس فولبرایت فقط خارجی‌ها را به آمریکا دعوت نمی‌کند، بلکه آمریکایی‌ها را نیز به کشورهای دیگر اعزام می‌کند (راف[1]، ۱۳۹۵، ۲۶۵-۲۶۶).

«برنامه مبادله رهبران جوان عراق»[2] یکی دیگر از این برنامه‌ها است که جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله عراقی را هدف قرار می‌دهد. در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ به‌طور متوسط سالیانه حدود ۲۰۰ جوان عراقی در این برنامه شرکت کرده‌اند که در مقایسه با دیگر برنامه‌های آمریکا و سهمیه دیگر کشورها، عدد قابل‌توجهی است. این جوانان ۴-۶ هفته در این برنامه شرکت می‌کنند و طی برنامه‌های متفاوتی مانند زندگی با خانواده‌های آمریکایی، بازدید از مراکز علمی و صنعتی آمریکا، کلاس‌های آموزش مدنی و مانند آن با فکر، فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی آشنا می‌شوند (جعفری هرندی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۱).

ج) هیئت مبادلات و تحقیقات بین‌الملل

د) انجمن آمریکایی پیشبرد علم:

یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی است که خود را رهبر و سخنگوی پیشبرد علم در جهان می‌داند و تقویت ارتباط میان دانشمندان، مهندسان و عموم مردم و درنتیجه افزایش همکاری‌های بین‌المللی در علم را دنبال می‌کند (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب).

ه) دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه:

وظیفه این دفتر ارائه مشاوره و منابع موردنیاز در زمینه علم و فناوری به بخش‌های مختلف وزارت خارجه آمریکا را بر عهده دارد. برخی از فعالیت‌های آن عبارت‌اند از: مدیریت بورس‌های مختلف علم و فناوری، مدیریت سخنرانی‌های علمی برون‌مرزی، رصد علم و فناوری در دنیا، طرح پژوهشگران Nexxt (با جامعه هدف زنان کشورهای اسلامی) و گفتگوی جهانی در زمینه علم و فناوری‌های در حال ظهور (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب).

«تبادل رهبران آینده»[3] یکی دیگر از برنامه‌های دیپلماسی علمی آمریکا است که در آن دانش آموزان مستعد و تیزهوش سال پایانی دبیرستان در کشورهای دیگر را جذب، و آن‌ها را برای ادامه تحصیل و زندگی با خانواده‌های آمریکایی به مدت یک سال به آمریکا اعزام می‌کند (دهشیری و

1. William A Rugh
2. Iraqi Young Leaders Exchange Program (IYLEP)
3. Future Leaders Exchange (FLEX) Program

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

طاهری، ۱۳۹۵، ب). برنامه دیگر، ترغیب دانشجویان آمریکایی به تحصیل در خارج از خاک این کشور، و نیز تأسیس شعبه دانشگاه‌های صاحب‌نام آمریکا در کشورهای دیگر است.

نای مهم‌ترین بعد جذابیت آمریکا در سال ۲۰۰۳ در جهان (۷۹٪) و در جهان اسلام (۷۰٪) را «تجلیل از آمریکا به دلیل سطح عالی‌اش در حوزه علوم و فناوری‌های پیشرفته» ذکر کرده است، درحالی‌که در همین سال اعتراضات زیادی نسبت به سیاست خارجی آمریکا (مخصوصاً درباره حمله به عراق و قبل‌تر حمله به افغانستان) رخ داده بود (نای، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۸).

۲-۷- چین

برنامه‌های مبادله فرهنگی و آموزشی بخش مهمی از دیپلماسی علمی چین را تشکیل می‌دهند. چین تعداد قابل‌ملاحظه‌ای دانشجویان خود را به کشورهای دیگر اعزام می‌کند و دانشجویان خارجی را می‌پذیرد. بخش عمده دانشجویان غیرآمریکایی در آمریکا را چینی‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین ژاپن یکی از مهم‌ترین مقاصد تحصیلی دانشجویان چینی است.

سیاست دیگر چین در دیپلماسی علمی و آموزشی، تأکید بر زبان چینی است که مسئولیت آن را «انستیتو کنفوسیوس»[1] بر عهده دارد. این موسسه عمومی غیرانتفاعی در حال حاضر بیش از ۵۰۰ شعبه در بیش از ۱۳۴ کشور جهان دایر کرده است. (Liu, ۲۰۱۸). انستیتو کنفوسیوس علاوه بر ترویج زبان چینی در قالب‌هایی مانند تربیت و اعزام معلم زبان چینی به خارج از کشور، برگزاری کلاس‌های آموزش زبان چینی، برگزاری آزمون‌های استاندارد زبان چینی، از برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو نیز حمایت مالی به عمل می‌آورد.

۳-۷- روسیه

طبق گزارشی که وزارت خارجه روسیه در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده، این کشور دارای ذخایر مناسب و راهبردی در حوزه آموزش عالی بوده که آن‌چنان‌که باید مورداستفاده قرار نگرفته است. تعداد دانشجویان خارجی در حال تحصیل در روسیه روبه افزایش است که بخش عمده آن‌ها را دانشجویان چینی و کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی تشکیل می‌دهند. گفته

1. Confucius Institute

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

می‌شود روسیه از طریق آموزش فرهنگ و زبان روسی درصدد افزایش نفوذ و سلطه سیاسی خود به‌ویژه در کشورهای هم‌جوار است. تأسیس «بنیاد دنیای روسی»[1] در سال ۲۰۰۷ باهدف گسترش نشر و آموزش زبان روسی در دیگر کشورها نیز در همین راستا دیده می‌شود (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، الف).

۴-۷- آلمان

در آلمان «سرویس مبادله آکادمیک آلمان»[2] بخش مهمی از وظایف دیپلماسی علمی و آموزشی این کشور را بر عهده دارد. هدف این سرویس جذب نخبگان جوان خارجی به‌عنوان «شرکا و دوستان آلمان»، ترویج زبان آلمانی در جهان و تقویت علاقه، درک و شناخت از آلمان است که این اهداف را از طریق ارائه بورس‌های تحصیلی به دانشجویان، معلمان، محققان و دانشمندان آلمانی و غیرآلمانی و تقویت همکاری‌های علمی دانشگاه‌های این کشور با دانشگاه‌های دیگر کشورها دنبال می‌کند. سرویس مبادله آکادمیک تلاش دارد آلمان را به‌عنوان «سرزمین ایده‌ها» در افکارعمومی ثبت کند. این سرویس همچنین از طریق ارتقای سطح علمی در کشورهای درحال‌توسعه به دنبال اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک است. «بنیاد الکساندر فون همبلت»[3] دیگر کنشگر آلمانی در حوزه دیپلماسی علمی است که با اعطای بورس‌های بین‌المللی در پی جلب قلوب و اذهان گروه‌های هدف در مناطق اسلامی می‌باشد (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۶۸۴-۶۸۵).

۵-۷- ترکیه

ترکیه نیز جهت نفوذ در آسیای مرکزی و جهان ترک، بر فعالیت‌های آموزشی سرمایه‌گذاری کرده و آن را «باارزش‌ترین سرمایه‌گذاری» خود می‌داند که در بلندمدت منافع این کشور را تأمین خواهد کرد. «دانشجویانی که در ترکیه تحصیل می‌کنند پس‌ازاینکه به کشورشان برگشتند، پست‌های مهم را در دست خواهند گرفت و انتظار می‌رود آن‌ها به گسترش روابط کشور خود

1. Russkiy Mir Foundation
2. German Academic Exchange Service (DAAD)
3. Alexander von Humboldt Foundation

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

با ترکیه و افزایش نفوذ ترکیه در منطقه کمک نمایند. هم‌اکنون بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ترکیه در مناصب بالای حکومتی این جمهوری‌ها حضور دارند» (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵الف). علاوه بر پذیرش دانشجویان خارجی، دولت و مؤسسات غیردولتی ترکیه (مانند موسسه اوقاف دنیای ترک و مؤسسات وابسته به گولن) به تأسیس صدها مدرسه و چندین دانشگاه در کشورهای مقصد و مخصوصاً کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی اهتمام ورزیده است. همچنین این کشور در سال ۱۹۹۳ کنفرانس دائمی روسای دانشگاه‌های جهان ترک را در آنکارا به وجود آورد (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵الف).

۶-۷- ژاپن

ژاپن جزو کشورهای اولیه و پیشگام در حوزه دیپلماسی فرهنگی و علمی بوده است، تأسیس انجمن روابط فرهنگی بین‌المللی این کشور در سال ۱۹۳۴، هم‌زمان با تأسیس شورای بریتانیا، به‌روشنی این مسئله را بیان می‌کند. بنیاد ژاپن در سال ۱۹۷۲ با هدف انجام مبادله فرهنگی بین‌المللی تأسیس شد. این بنیاد از طریق «اجرای کارآمد و جامع فعالیت‌های مربوط به مبادله فرهنگی بین‌المللی» اهدافی مانند ایجاد یک محیط بین‌المللی بهتر، افزایش فهم ملت‌ها از ژاپن، و گسترش دوستی و حسن نیت میان ملت‌ها را دنبال می‌کرد. گسترش آموزش زبان ژاپنی، مطالعات ژاپنی و مبادلات فرهنگی سه مقوله اصلی فعالیت بنیاد ژاپن است (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۷۰۱). «برنامه مبادله و تدریس ژاپن» از دیگر برنامه‌های مهم و موفق دیپلماسی علمی ژاپن است که از فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه‌های دیگر کشورها برای شرکت در برنامه‌های بین‌المللی یا آموزش زبان ژاپنی خود دعوت به عمل می‌آورد (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۷۱۰).

۷-۷- عربستان سعودی

عربستان سعودی از یک‌سو به خاطر سابقه اسلامی و سلفی خود برای برخی مسلمانان کشوری قابل‌توجه بوده و از سوی دیگر با اتخاذ رویکرد جدید و لیبرال و حرکت به سمت چشم‌انداز ۲۰۳۰، در عرصه دیپلماسی علمی کنشی دوگانه دارد. تأسیس دانشگاه‌های بزرگ با امکانات آموزشی و پژوهشی، پذیرش دانشجو از کشورهای اسلامی و غیراسلامی، اعطای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

تسهیلات و بورسیه‌های آموزشی، اعطای مجوز فعالیت به دانشگاه‌های غربی، راه‌اندازی مدارس و دانشگاه‌های اسلامی ازجمله فعالیت‌های این کشور در حوزه دیپلماسی علمی و آموزشی است (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، الف).

۸-۷- امارات متحده عربی

امارات متحده عربی گرچه از لحاظ توان علمی و سابقه تاریخی در دیپلماسی علمی حرفی برای گفتن ندارد، اما با اتکا به منابع مالی خود اهدافی را برای تبدیل‌شدن به مقصد تحصیلات عالیه و پذیرش دانشجویان کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی تعیین کرده است. در امارت‌های شخصی این کشور مناطق آزادی برای سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی‌ها ایجاد شدند و رفته‌رفته به مراکز و شهرهای آموزشی گسترش یافتند. پنجاه پردیس شاخه بین‌الملل در چهار منطقه آزاد مختلف در دوبی واقع‌شده‌اند و هر مجتمع جداگانه فعالیت می‌کند. شهر بین‌المللی دانشگاهی دوبی[1] شامل ۴۰ شعبه دانشگاه خارجی می‌باشد. از مؤسسات آموزش عالی خارجی انتظار می‌رود همان سیاست‌ها و مقررات موسسه مادر را اجرا کنند. این شهر ۱۲ کیلومترمربع وسعت دارد (www.en.wikipedia.org).

۹-۷- قطر

قطر نیز همانند امارات با اتکا به منابع مالی خود به دنبال تبدیل‌شدن به یکی قطب‌های تحصیلی در دنیا است و این را با پذیرش شعب دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غربی و بالا بردن استانداردها و افزون جذابیت‌های جنبی دنبال می‌کند. در سال‌های اخیر چندین دانشگاه غربی شعبی را در قطر افتتاح کرده‌اند. این پردیس‌ها توسط همان ارگان‌های دانشگاه‌های اصلی مورد تائید قرار می‌گیرند و مدارک دانشگاهی خود را از همان دانشگاه‌های اصلی دریافت می‌کنند. استانداردهای پذیرش بالاست و بازتابی از استانداردهای دانشگاه مادر است. آموزش نیز به زبان انگلیسی انجام می‌گیرد. «شهر آموزشی قطر»[2] که ۱۲ کیلومترمربع وسعت دارد ۹ دانشگاه و ۱۱ مدرسه، از مهدکودک تا دانشگاه را در برمی‌گیرد و بیش از ۸ هزار دانشجو و

1. Dubai International Academic City
2. Qatar Education City

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

دانش‌آموز در آن درس می‌خوانند. یکی از ورزشگاه‌های میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نیز در شهر آموزشی بنا می‌شود. (www.en.wikipedia.org) (www.hziegler.com) (www.qf.org.qa).

۸- دیپلماسی علمی در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی

در حالی که ایدئولوژی‌های شرقی و غربی یا به بن‌بست رسیده یا راه به جایی نبرده‌اند، در منطقه ما نیز «حاکمانی که در پنج دهه گذشته به دنبال گسترش نظام‌های غربی و ایدئولوژی‌های سکولار در کشورهای خود بودند، ناکام ماندند. پان‌عربیسم، سوسیالیسم، سرمایه‌داری، مارکسیسم و پدرسالاری همگی ایدئولوژی‌هایی هستند که در برآوردن نیازهای مردم شکست خورده، باعث شده‌اند که بسیاری از جنبش‌های فکری در منطقه به سمت الگوهای مذهبی روی بیاورند» (نظری و قنبرزاده، ۱۳۹۳: ۱۸۰). «جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تشابهات زیاد با سایر دولت-ملت ها، تفاوت‌ها و تمایزاتی نیز با آنان دارد. مهم‌ترین وجه تمایز جمهوری اسلامی، ایدئولوژی مشروعیت بخش آن یعنی اسلام می‌باشد. به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی نخستین دولت ملی پس از وستفالیا است که بر اساس دین و مذهب پایه‌گذاری شده است. ازاین‌رو ایدئولوژی اسلامی به کلیه ارکان و ماهیت جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهد» (خانی و محمدی سیرت، ۱۳۹۵: ۹۲). لذا در جهت تحقق اهداف این ایدئولوژی، دستیابی به الگویی آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه که مطابق آن با خصوصیات اسلامی و ایرانی ما باشد، ضروری می‌نماید. یکی از حوزه‌هایی که ایدئولوژی انقلاب اسلامی در آن تسری می‌یابد و خود را نشان می‌دهد، حوزه سیاست خارجی است.

به‌تبع این نگاه، دیپلماسی عمومی و علمی ایران نیز در مقایسه با سایر نحله‌های فکری رویکردی متفاوت به خود می‌گیرد، هرچند از اشتراکاتی نیز برخوردار هستند. در نگاه ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به سیاست خارجی (و بالتبع دیپلماسی علمی) رشد و کمال انسان (نه یک فرد و کشور و منطقه) بلکه امت اسلامی و بشریت اهمیت پیدا می‌کند. اما درعین‌حال تک‌تک انسان‌ها نیز از کرامت و حق کمال برخوردارند (نگاه اصالت فردی و جمعی توأمان). دیگر منافع ملی بر اساس برداشت ظاهری از مرزبندی‌های جغرافیایی تعیین نمی‌شود، بلکه منفعت امت اسلامی و بشریت همان منفعت ماست. تعاملات انسان‌ها با نیات سوء (و حتی بدون هدف برای صرف تقویت ارتباط) نیست، همه در راستای طاعت الهی باید تعریف گردند.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

پروپاگاندا و تأثیر بر ناخودآگاه، جای خود را به آگاهی انسان‌ها می‌دهد.

پس از بیان وضعیت دیپلماسی علمی در جهان از ساحت نظر یا عمل، در این قسمت به نقد و بررسی آن و بیان ویژگی‌های حالت مطلوب در الگوی اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی در شش بعد: هدف، رویکرد، محتوا، ابزار، مخاطب و کنشگر برمی‌آییم. گرچه این پژوهش ادعای دستیابی به الگوی مطلوب در این حوزه را ندارد، اما در ادامه به خطوطی کلی که می‌توان برای آن متصور بود اشاره می‌کند.

۱-۸- هدف

در دیپلماسی علمی (و حتی عمومی) هدف غایی تأمین منافع ملی کشور عامل است، به تعبیر دیگر حقیقت نسبی شده و اصالت با تأمین منافع آن کشور و افزایش قدرت نرم آن است و ابزارهای مختلف برای تحقق این هدف می‌توانند مورداستفاده قرار گیرند. در موارد زیادی مشاهده می‌شود که منفعت یک کشور به ضرر دیگر کشورها تمام می‌شود. اما در الگوی مطلوب می‌بایست این منافع بر اساس حقیقت مطلق بوده و نه‌تنها در تضاد با خیر و منفعت دیگران نباشد، بلکه منافع جامعه بشری و مخصوصاً سایر مسلمانان را نیز تأمین کند. صرف افزایش قدرت یک کشور از دیدگاه مطلوب موضوعیتی ندارد، بلکه قدرت وسیله‌ای برای سلطه حق و اقامه قسط و نیز بالاتر از همه تزکیه انسان‌ها است که در دوران کنونی در قالب تحقق تمدن نوین اسلامی و حتی تأسیس رژیم ربانی در اتحاد با غیرمسلمانان بروز می‌یابد. لذا آنچه رویکردهای مختلف به‌عنوان هدف عنوان کرده‌اند، چه تأمین منافع ملی، چه رسیدن به صلح و همزیستی و چه بهره اقتصادی برابر، همگی می‌بایست ذیل این اهداف مطلق قرار گیرند. اگر در شرایط کنونی و مدل مطلوب، دیپلماسی علمی به نفع آمریکا بوده و سلطه آن را بازتولید می‌کند، در شرایط مطلوب ایران می‌بایست نقش محوری کرده و پرچم‌دار تحقق این اهداف باشد. ناگفته پیداست تأکید بر ایران صرفاً ازآن‌جهت است که حکومت حقه اسلامی در آن محقق شده و می‌تواند الگو و شهید -به تعبیر قرآنی «لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره: ۱۴۳)- باشد وگرنه نفس ایران موضوعیتی ندارد. جدول۴ وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی را از حیث هدف مقایسه کرده است:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

جدول٤: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد هدف

	موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
ملاک ارزیابی غایی	بر اساس نسبیت حقیقت	بر اساس مطلق بودن حقیقت
روابط علمی ابزارِ...	تأمین منافع ملی، جذب دیگران و افزایش قدرت نرم (رویکرد رئالیستی)	تأمین منافع انسان‌ها و مخصوصاً جهان اسلام (تطابق با طاعت الله) تزکیه فردی/اقامه قسط و حیات طیبه و سلطه حق (تمدن اسلامی/ تأسیس رژیم ربانی)
	رسیدن به صلح و همزیستی و فهم متقابل (رویکرد لیبرالیستی)	اقامه قسط و عدل
	ارتباط برای ارتباط	ارتباط برای حق
	سلطه اقتصادی و سیاسی/ برخورداری اقتصادی برابر (رویکرد امپریالیستی)	سلطه حق
محوریت	آمریکا	ایران (الگو و شهید)

۲-۸- رویکرد

دو وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی از حیث رویکردهای مختلفی می‌تواند موردبررسی و مقایسه قرار گیرد. دیپلماسی علمی کنونی در بستر سیستم دولت-ملت -با تمام اقتضائات آن- شکل گرفته است اما در الگوی مطلوب، سیستم امام-امت می‌بایست حاکم باشد. همچنین در وضعیت فعلی جهت ارتباط یک‌طرفه (رویکرد لیبرالیستی) یا دوطرفه (رویکرد رئالیستی) است اما در حالت مطلوب، جهت ارتباط چیزی بین آن دو است، یعنی از جهتی نه یک‌طرفه و غیرآگاهانه و اجباری است، و نه بدون هدف و صرفاً برای ایجاد ارتباط، بلکه بر اساس اصول ثابت (که غیرقابل عدول و اغماض است) و فروع متغیری (که فرهنگی تلقی شده و می‌تواند ثابت نباشد) عرضه و دعوت و گفتگو صورت می‌گیرد.

در حالت موجود به روابط علمی به ابزاری برای کسب ثروت بیشتر نگریسته می‌شود و موضوعاتی موردتوجه واقع می‌شوند که سودآوری و صرفه اقتصادی داشته باشند، اما در حالت مطلوب این مسئله اصل و تعیین‌کننده نیست، بلکه نیاز و مسئله واقعی جامعه و امت در اولویت پرداختن قرار می‌گیرد. وضعیت موجود و مطلوب از حیث نوع شاخص ارزیابی نیز قابل‌بررسی هستند، در حالت موجود کمیت برنامه‌های اجرا شده در کنار کیفیت آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اما در حالت مطلوب کمیت اهمیت کمتری پیدا می‌کند (حذف نمی‌شود) و کیفیت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

و محتوای برنامه‌ها موردتوجه بیشتری واقع می‌شود. همچنین استفاده از برنامه‌ها و تکنیک‌های مختلف و اثرگذار در حالت وجود بسیار موردتوجه واقع است، تا جایی که بحث از دیپلماسی علمی (و حتی انواع دیگر دیپلماسی عمومی) معادل بیان تکنیک‌ها و قالب‌های اجرای آن تلقی می‌شود که می‌توان آن را تکنیک زدگی دانست، اما در حالت مطلوب در عین استفاده از قالب‌ها و تکنیک محوری، موارد دیگری مانند محتوا نیز موردتوجه واقع می‌شود.

در وضعیت موجود دیپلماسی علمی، کشورهای توسعه‌نیافته و درحال‌توسعه -ازجمله ایران- در برابر کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته و در رأس آن آمریکا حالت انفعال دارند، اما در وضعیت مطلوب اسلامی-ایرانی کنش فعالانه متصور است. در وضعیت موجود دیپلماسی علمی برای تغییر ملت‌ها بدون خواست خود آن‌ها به کار می‌رود، آن‌ها را مانند ماشین و بدون اراده در نظر می‌گیرد و به تغییرات سریع و جوزده و غیرمردمی روی می‌آورد، اما در وضعیت مطلوب هرگونه تغییری باید به‌صورت تدریجی و آگاهانه و مردمی و درون‌زا باشد، نخبگان فکری وظیفه ایجاد این حرکت تدریجی و تربیت محور به‌سوی تغییر را بر عهده دارند. همانند تحصیل و تربیت علمایی مانند شیخ زکزاکی و شیخ عیسی قاسم در ایران، و تأثیرگذاری درون‌زا و مردمی آن‌ها در کشورهای خود. مقایسه رویکرد وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در جدول۵ نشان داده شده است:

جدول۵: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد رویکرد

	موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
سیستم	دولت-ملت	امت-امام
جهت ارتباط	دوطرفه (رویکرد لیبرالیستی) یک‌طرفه (رویکرد رئالیستی)	نه دوطرفه و نه یک‌طرفه مطلق عرضه، دعوت و انتخاب با اختیار
نوع گفتگو	گفتگو برای گفتگو و برای شناخت متقابل	گفتگو برای قبول اصول ثابت حق و شناخت فروع فرهنگی آن و نتیجتاً دعوت دقیق‌تر
	تبلیغات و ناخودآگاه	اختیاری و آگاهانه
	تجاری شدن روابط علمی	مسئله و نیازمحور شدن روابط علمی
شاخص ارزیابی	شاخص کمی کیفی	شاخص کمی کیفی محتوایی
	انفعال (جهان سوم)	فعال
	تکنیک زدگی (پرداختن صرف به ابزارها و روش‌های اعمال دیپلماسی علمی)	محتوا و تکنیک محوری
	تصمیم‌گیری برای ملت‌ها بدون خواست واقعی آن‌ها	تلاش برای تغییر ما بانفهسم

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

	تغییرات سریع و جوزده و غیرمردمی	تغییر تدریجی و مردمی، تربیت رهبران فکری و الگوهای سبک زندگی
	رویکرد ماشین انگاری انسانی	رویکرد تربیت محور انسانی
	ابزارمحور و منفعت محور	هدف محور و مصلحت محور

۸-۳- محتوا

در دیپلماسی علمی موجود نه‌فقط در ایران، بلکه در سطح جهان، علوم مهندسی و پزشکی بیشتر موردتوجه است و همکاری‌ها و تبادلات علمی در آن حوزه‌ها صورت می‌گیرد و حوزه‌های علوم انسانی کمرنگ‌تر است. اما در حالت مطلوب در ذیل اهداف بیان‌شده، علوم دینی و علوم انسانی اسلامی و علوم پیشران برای تحقق تمدن نوین اسلامی موردتوجه بیشتری در مقایسه با بقیه علوم مهندسی و پزشکی قرار می‌گیرند. همچنین در حالت موجود در ایران، ترجمه و برگردان علمی از سایر زبان‌ها به زبان فارسی بیشتر مدنظر است تا تولید علم بومی و ترجمه آثار فارسی به زبان‌های دیگر، درصورتی‌که در حالت مطلوب برعکس می‌باشد. به‌علاوه در حالت مطلوب، به علوم حقیقی توجه بیشتری می‌شود، یا به‌صورت مستقیم و یا به‌صورت غیرمستقیم از طریق اتصال علوم اعتباری به علوم حقیقی. در جدول۶ تفاوت محتوای وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی به چشم می‌خورد:

جدول٦: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد محتوا

	موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
اولویت دیپلماسی علمی	عمدتاً علوم مهندسی و پزشکی	عمدتاً علوم دینی و علوم انسانی اسلامی، علوم پیشران و استراتژیک برای تحقق تمدن اسلامی
	علم ترجمه‌ای	علم بومی و ترجمه معکوس
		توجه به علم حقیقی

۸-۴- ابزار و قالب

در حالت موجود دیپلماسی علمی، زبان غالب و مورداستفاده انگلیسی است که در کل دنیا و ازجمله ایران استفاده می‌شود درصورتی‌که در حالت موجود زبان فارسی می‌بایست به زبان علم مبدل گردد. همچنین در بین روش‌ها و قالب‌های که برای دیپلماسی علمی استفاده می‌شود، در حالت مطلوب آن دسته که موجب ایجاد یا تقویت ائتلاف‌ها و قطب‌های علمی هدفمند (برای حل مسائل و نیازهای) جهان اسلام و جبهه مقاومت می‌شوند جایگاه ویژه‌ای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

پیدا می‌کنند. درصورتی‌که در وضعیت فعلی ارتباط علمی چندانی بین کشورهای اسلامی وجود ندارد و کشورهای اسلامی بیشتر با کشورهای غربی تعاملات علمی می‌کنند و آن‌ها را الگوی خود می‌دانند. جدول۷ نشان‌دهنده تفاوت وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی از حیث ابزار و قالب است:

جدول۷: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد ابزار

	موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
ائتلاف علمی با...	ائتلاف علمی با کشورهای غربی	تقویت ائتلاف‌ها و قطب‌های علمی هدفمند جهان اسلام و مقاومت
زبان رایج	زبان انگلیسی	زبان فارسی

۵-۸- مخاطب

از حیث مخاطب، دیپلماسی علمی کنونی برای اقشار مختلف و اثرگذار مانند کودکان، نوجوانان، جوانان، دانشجویان و زنان تمرکز ویژه‌ای دارد که همین وضعیت برای حالت مطلوب آن نیز قابل ترسیم است. کشورهای عامل دیپلماسی علمی در شرایط فعلی اگر به کشورهای اسلامی روی آورده‌اند، یک دلیل آن کنترل رشد تروریسم (تهدیدمحور) در بین کشورهای اسلامی است. اما در حالت مطلوب باید با دید تمدن ساز (فرصت محور) به کشورهای اسلامی نگریسته شود. همچنین وضعیت موجود دیپلماسی علمی، از بین دسته‌های مسلمانان ارتباط با سکولارهای آنان را در اولویت قرار می‌دهد درصورتی‌که در حالت مطلوب اسلامی-ایرانی، ارتباط با مسلمانان اسلام‌گرا (حتی از اهل تسنن) اهمیت بسیار بیشتری دارد. دولت‌ها و جوامع اسلامی - ازجمله در ایران- در شرایط کنونی بیشتر با کشورهای مستکبر و سرمایه‌دار ارتباط علمی دارند، درصورتی‌که در حالت مطلوب، ارتباط علمی بر اساس اهداف پیش‌گفته با مسلمانان و مستضعفان (ولو غیرمسلمان) -بر اساس تفاوتی که در درجه‌بندی دارند- اولویت می‌یابد. وضعیت مخاطب در حالت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در جدول۸ مقایسه شده است:

جدول۸: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد مخاطب

	موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
اقشار با اولویت	تأکید بر کودکان، نوجوانان و جوانان، دانشجویان، زنان	تأکید بر کودکان، نوجوانان و جوانان، دانشجویان، زنان
رویکرد به جهان اسلام	تهدید محور (رویکرد تروریستی)	فرصت محور (رویکرد تمدنی)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

اولویت ارتباط در جهان اسلام	مسلمانان سکولار	مسلمانان اسلام‌گرا
اولویت ارتباط از حیث دولت‌ها و جوامع	مستکبران و سرمایه‌داران	مستضعفان و مسلمانان (بر اساس درجه‌بندی)

۶-۸- کنشگر

وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در شرطیت تخصص و صلاحیت علمی و اجرایی افراد مشترک‌اند، اما آنچه وضعیت مطلوب بیشتر دارد، شرطیت حسن فاعلی و تزکیه اخلاقی و نیت پاک و خالص افراد عامل است که اثرگذاری عمل را چندین برابر می‌کند، برای اعطای شی، کنشگر می‌بایست واجد آن باشد. همچنین تفاوت مهمی که وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در ایران دارد، ماهیت مجری آن است. در شرایط کنونی دیپلماسی علمی در ایران عمدتاً توسط دولت مدیریت و اجرا می‌شود، اما در حالت مطلوب، دیپلماسی علمی به‌صورت عمدتاً مردمی پیش می‌رود. جدول۹ نشان‌دهنده مقایسه کنشگر و مجری دیپلماسی علمی در حالت موجود و مطلوب است:

جدول۹: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد کنشگر

	موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
جایگاه تعهد	عدم شرط بودن حسن فاعلی	اهمیت تزکیه اخلاقی و نیت پاک و خالص (کنشگر واجد شئ)
جایگاه تخصص	شرط بودن تخصص	شرط بودن تخصص
مجری (در ایران)	عمدتاً دولت	عمدتاً مردم

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

۹- نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش یعنی «در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی چگونه به افزایش قدرت نرم کشور می‌انجامد؟» شش بعد را می‌توان برشمرد و آن را از این حیث بررسی کرد: هدف، رویکرد، محتوا، ابراز، مخاطب و کنشگر. این شش بعد به ابعاد و حوزه‌های دیپلماسی علمی -که در بخش ۴ و ۵ به آن اشاره شد- قابل تسری است. بررسی و شناخت دیپلماسی علمی دیگر کشورها و نیز پژوهش‌های نظری منتشرشده در این حوزه از دو جهت در احصای ویژگی‌های الگوی مطلوب بومی مفید بود: اولاً طبق قاعده «تعرف الأشیاء بأضدادها» از طریق شناخت وضعیت موجود و رایج در دنیا و نقد و بررسی آن می‌توان به نقاط ضعف و نقاط منافی با وضعیت بومی خود پی برد. و ثانیاً از تجارب مفید و صحیح آن‌ها بهره و الگو گرفت.

الگوی مطلوب دیپلماسی علمی و ابعاد شش‌گانه آن را می‌توان به‌صورت یک منظومه ترسیم کرد، منظومه‌ای که هدف نهایی آن اقامه قسط و تزکیه مسلمانان و مردم جهان از طریق تحقق تمدن نوین اسلامی و سلطه حق بوده و سایر اجزای آن در ذیل این هدف کلی قرار می‌گیرند و عمل می‌کنند. به تعبیر دیگر دیپلماسی علمی مطلوب به‌عنوان یک عامل ایجاد تغییر در جوامع می‌بایست وظیفه خود را تحقق اهداف ذکرشده بداند. در این راستا وجود یک الگو و پرچم‌دار در تحقق این مهم لازم و ضروری است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این نقش را بر عهده بگیرد. ایجاد و تقویت ائتلاف‌ها و همکاری‌های علمی هدفمند و مسئله محور ناظر به نیازهای واقعی دنیای اسلام در راستای تحقق تمدن اسلامی اهمیت فراوانی دارد.

با توجه به اهمیت دیپلماسی علمی برای جمهوری اسلامی ایران و خلائی که در ترسیم الگوی جامع بومی برای آن وجود دارد، محققان و پژوهشگران می‌توانند برای تکمیل این پژوهش در گام‌های بعدی بر احصای کامل‌تر ابعاد و مؤلفه‌های الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی تمرکز کنند، به تبیین چیستی بعد فرهنگی دیپلماسی علمی و چگونگی تحقق آن در قالب‌هایی مانند تهیه پیوست فرهنگی برای فعالیت‌های اجرایی موجود بپردازند، مطالعات تطبیقی مغفول مانده از دیدگاه این پژوهش را موردبررسی قرار دهند و وضعیت فعلی دیپلماسی علمی در ایران را ترسیم و نقد و بررسی نمایند.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

منابع

قرآن کریم

اسنو، نانسی؛ تیلور، فیلیپ ام (۱۳۹۰)، کتاب مرجع دیپلماسی عمومی (ترجمه روح‌اله طالبی آرانی)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸(۲)، ۱۲۱-۱۴۲.

التیامی‌نیا، رضا؛ تقوایی‌نیا، علی (۱۳۹۵)، «تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۳)، ۱۶۷-۱۹۶.

ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

براتی، مسعود (۱۳۹۰)، بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران، [گزارش منتشرشده معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری].

تسلیمی، محمدسعید؛ نوروزی، خلیل؛ مخدومی، احمد؛ هاجری، مهدی (۱۳۹۶)، «ارائه چارچوب توسعه دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان و مسئولان علمی و دیپلماسی کشور»، راهبرد، ۸۳، ۱۶۵-۱۸۶.

جعفری هرندی، امیررضا (۱۳۹۵)، مدیریت نفوذ ایالات‌متحده در عراق جدید، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

خانی، محمدحسن؛ محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۵)، «تاثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره)»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۴)، ۹۱-۱۱۷.

درخشه، جلال؛ اسماعیلی کلیشمی، علیرضا (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷(۲)، ۲۷-۵۳.

درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۲(۴۸)، ۹-۴۶.

دهشیری، محمدرضا؛ طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۹۴، ۱-۴۲.

دهشیری، محمدرضا؛ طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، «نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات‌متحده آمریکا: با تأکید بر عملکرد آن در قبال ایران»، علوم سیاسی، ۱۲(۳۶)، ۶۱-۹۸.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

راف، ویلیام ای (۱۳۹۵)، خط مقدم دیپلماسی عمومی آمریکا (ترجمه محمدصادق بیگلری)، تهران: گروه انتشارات بین‌المللی الهدی.
سجادپور، محمدکاظم؛ وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۹۰)، «ديپلماسي عمومي نوين؛ چارچوب‌های مفهومي و عملياتي»، سیاست، ۴(۴۱)، ۷۷-۹۵.
شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۳(۴)، ۴۹-۷۴.
شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ نوری، حامد (۱۳۹۶)، دیپلماسی عمومی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
شیلر، هربرت (۱۹۷۶)، ارتباطات و سلطه فرهنگی (ترجمه کاظم معتمدنژاد) (۱۳۹۲)، تهران: مؤسسه نشر شهر.
صادقی، سیدصاحب و اسفندیاری، احمد (۱۳۹۲)، دیپلماسی فرهنگی آمریکا در خاورمیانه، تهران: انتشارات خبرگزاری فارس.
صنیع اجلال، مریم (۱۳۹۶)، «دیپلماسی علم و فناوری: راهبردی نو در توسعه کشورهای اسلامی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲۳، ۱۹۳- ۲۱۵.
فتاحی اردکانی، حسین؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ هرسیج، حسین (۱۳۹۷)، «تجزیه‌وتحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸(۱)، ۲۹-۶۲.
فرخی، میثم (۱۳۹۰)، «کاوشی نظری پیرامون پدیده جهانی‌شدن و امپریالیسم فرهنگی-رسانه ای: یکسان‌سازی و همگونی فرهنگی»، مطالعات رسانه‌ای، ۱۰(۲)، ۹-۲۴.
کولائی، الهه؛ عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «دیپلماسی علمی ایران در روابط باگرجستان»، سیاست، ۴۷(۴)، ۱۰۴۵-۱۰۶۴.
محسنی سهی، هدی سادات؛ محسنی سهی، فریبا سادات (۱۳۹۴)، «تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۴(۱)، ۹۷-۱۱۶.
میرحسینی، سیدعبدالحمید؛ محمدی دوستدار، حسین (۱۳۹۴)، «ابعاد سیاسی-فرهنگی همکاری‌های علمی بین‌المللی در اسناد ملی علم و فناوری کشورهای منتخب»، مطالعات میان‌فرهنگی، ۲۷، ۴۵-۷۶.
نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم (ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، تهران: نشر نی.
نظری، علی‌اشرف؛ قنبری، لقمان (۱۳۹۳)، «شکاف های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای عرب خاورمیانه با تأکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۰-۲۰۱۴»، پژوهش‌های سیاسی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]

جهان اسلام، ۴(۴)، ۱۶۳-۱۸۴.
یاسوشی، واتانابه؛ مک کانل، دیوید (۱۳۸۹)، آموزش عالی، فرهنگ‌عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات‌متحده (ترجمه سید محسن روحانی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Liu, Tony Tai-Ting (2018), Exporting culture: the Confucius Institute and China's smart power strategy, In The Routledge Handbook of Global Cultural Policy, New York: Routledge.

Science diplomacy for France (2013): www.france-science.org/IMG/pdf/science-diplomacy-for-france-2013.pdf

New frontiers in science diplomacy (2010): www.royalsociety.org/~/media/Royal_Society_Content/policy/publications/2010/4294969468.pdf

www.en.Wikipedia.org

www.hziegler.com

www.qf.org.qa

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۴

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

کوهکن، محمدرضا؛ بشیر، حسن (۱۳۹۹)، «دیپلماسی علمی به‌مثابه قدرت نرم: از تجارب جهانی تا الگوی بومی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۰، ش۴، زمستان ۹۹، صص ۱۰۳-۷۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.9.6]